

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهراء (ع)

دوره سوم * شماره دوازدهم * تابستان ۱۴۰۴



جلوه‌هایی از امنیت اقتصادی زنان در خانواده اسلامی با رویکرد قرآنی و روایی

مریم‌السادات موسوی^۱

زهرا زائری^۲

صدیقه حاجی‌پور^۳

معصومه وثاقتی^۴

چکیده

امنیت اقتصادی زنان به دلیل نقش محوری آنان در اجتماع، از موضوعات برجسته‌ای است که قرآن و روایات به تفصیل به آن پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال قرآن با در نظر گرفتن مهریه، نفقه، حق ارث و مزدشیردهی در عرصه اقتصادی، نقش بسزایی در تثبیت اقتصادی زنان در خانواده اسلامی دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، پرسش از چستی جلوه‌های امنیت اقتصادی زنان در خانواده اسلامی را بر اساس قرآن و روایات، مبنا قرار داده است. تبیین حقوق مالی مصرح در اسلام و نقش آن در تثبیت جایگاه نهادی زنان در خانواده، محور اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهد. از دستاوردهای این تحقیق آن است که با در نظر گرفتن مهریه، حق ارث، نفقه و مزدشیردهی در عرصه اقتصادی برای زنان در اسلام، حمایتی قائل شده تا زنان بتوانند به‌طور مستقل از آن حقوق استفاده کنند، طوری‌که این حقوق به‌عنوان پشتوانه مالی و راهکار در استقلال و امنیت اقتصادی و تعدیل و توزیع ثروت برای آنان محسوب شود.

واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی، اقتصاد زنان، زنان در خانواده، مهریه، نفقه، ارث.

 M.mousavi5888@yahoo.com	۱. دانش‌آموخته سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، عضو گروه علمی تفسیر جامعة الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)
 0000-0002-5684-2755	۲. دانش‌آموخته سطح ۳، رشته تفسیر جامعة الزهراء (ع) ۳. دانش‌آموخته سطح ۴، رشته تفسیر جامعة الزهراء (ع) ۴. دانش‌آموخته سطح ۳، رشته تفسیر جامعة الزهراء (ع)
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ استاددهی: موسوی، مریم‌سادات و همکاران (۱۴۰۴). «جلوه‌هایی از امنیت اقتصادی زنان در خانواده اسلامی با رویکرد قرآنی و روایی»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۱۲، صفحات ۹۹-۱۱۷.

۱. مقدمه

امنیت اقتصادی زنان در جامعه از جمله موضوعات مهمی است که در قرآن و روایات به گستردگی به آن اشاره شده است و معمولاً این مفهوم را به معنای اطمینان، آرامش در برابر خوف تفسیر و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دوبعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از ابعاد مهم امنیت، وجه یا بعد اقتصادی آن است که با توجه به اهمیت موضوع معیشت و اقتصاد در حیات مادی و معنوی انسانی، تبیین این موضوع و ساز و کارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. از جمله دلایل مهمی که انجام چنین پژوهش‌هایی را بیشتر ایجاب می‌کند این است که در شرایط فعلی جامعه، یکی از دغدغه‌های اساسی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی تأمین بهینه‌ی معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آنها است و زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه مستحق داشتن چنین حق و امنیت اقتصادی در جامعه هستند.

اسلام نیز به شکل بی‌سابقه‌ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است از جمله در بحث مهریه، نفقه، ارث دهی و مزدشیردهی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است؛ و حقیقت این است که اسلام نخواست به نفع زن و علیه مرد و یا به نفع مرد و علیه زن قانونی وضع کند. اسلام نه جانبدار زن است و نه جانبدار مرد، بلکه اسلام در وضع قوانین خود حق و تأمین سعادت جامعه بشریت را در نظر گرفته است.

با گذری بر حقوق زن در تمدن‌های پیش از اسلام دریافت می‌شود که زنان تا پیش از وضعیت به ظاهر مرفعی و مطلوب کنونی‌اش، همواره و همه جا جز دوره‌هایی که در پرتو وحی، ارزش یافته و انسان انگاشته شده به گونه‌ها و درجات متفاوت عنصری غیرانسانی، نیمه انسانی، طفیلی، بدون حق و یا با کمترین حق مورد توجه قرار گرفته و لحاظ شده است و ملل متمدن هم دست کمی از جوامع بدوی و غیر متمدن نداشته‌اند.

حقوق زنان در همه‌ی جوامع و دوران‌ها همواره به مقتضیات زمان، ویژگی‌های فرهنگی جامعه و نوع مناسبات اجتماعی آن عصر بستگی داشته است. بررسی پیشینه حقوق زنان در ادوار تاریخ نشان دهنده‌ی تسلط پایدار مرد سالاری بر آن است به تعبیر دیگر غالباً مزایا و موقعیت‌های

مهم اجتماعی در اختیار مردان بوده است. در ایران باستان و عرب عصر جاهلی و اروپای قرون وسطی نیز این مسئله وجود داشته و برخی مصادیق آن: مالکیت نداشتن زنان بر اموال خود و محروم بودن از ارث است.

دین مبین اسلام، به عنوان یک نظام فکری الهی، مبتنی بر مبانی و اصول متعددی است که در رابطه با موضوعات مرتبط با زنان می توان به اصولی همچون اصل تساوی زن و مرد در انسانیت، اصل عدم تساوی در امور تکوینی زن و مرد، اصل هدفمندی در آفرینش، اصل مکمل بودن نقش های ویژه زن و مرد در هستی اشاره کرد که هدف غایی آن مبنی بر رسیدن افراد به کمال انسانیت و مقام عبودیت روح کلی حاکم بر نظام فکری اسلام را مشخص می کند.

با ظهور اسلام شخصیت و حقوق زن مورد توجه قرار گرفت. قرآن از یک سو از زنان در برابر ستم هایی مانند چند زنی نامحدود و غیر متعهدانه مردان، به ارث برده شدن زن بعد از مرگ همسرش، ارث ندادن به زنان، محروم شدن از حق مالکیت و... ایستاد و از سوی دیگر برای تضمین بیشتر عدالت قواعدی عام تاسیس کرد که حاکم بر احکام و حقوق زن و مرد است.

پیشینه تحقیق

ضمن آنکه بخش مهمی از احکام منابع جامع فقهی درباره حقوق زن است؛ تدوین احکام فقهی راجع به زنان در قالب کتاب های مستقل از دیر باز در بین فقه های امامی و اهل سنت متداول بوده است از جمله: کتاب «النساء» از جعفر بن محمد قولویه (متوفای ۳۶۸ق)، «احکام النساء» از شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) و «احکام النساء» از ابن جوزی (متوفای ۵۹۷ق). در دهه های اخیر نیز، شاهد رشد چشمگیر کتب و مقالات پیرامون حقوق زنان در جامعه هستیم که بسیاری از این کتب مورد توجه اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است.

در این راستا به ذکر چند کتاب برگزیده اکتفا می شود:

۱) در کتاب «نظام حقوقی زن در اسلام» اثر استاد مطهری با بررسی جایگاه زن در جامعه و نقش موثر او در نظام خانواده، فلسفه تفاوت وضع قوانین نسبت به مرد و زن و وضع مقررات ویژه ای مانند مهریه، وجوب نفقه زن بر مرد و مواردی دیگر این را به مخاطب می رساند که زن در قرآن همان زنی است که در طبیعت است کتاب تشریع (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) یک

برداشت را ارائه کرده است، اوج سخن از حقوق زن در قرآن همین انطباق و هماهنگی است. (۲) در کتاب دیگری به نام «نفقه در قانون مدنی و آراء فقها» اثر عبدالرضا صفوی، مولف به مسئله نفقه که یکی از تعهدات حقوقی و شرعی مرد نسبت به زن است اشاره می‌کند و انجام آن را باعث انسجام خانواده و ازدیاد محبت می‌داند.

(۳) همچنین در مقاله «تبیین فقهی نظریه وجوب شیردهی بر مادر و لزوم پرداخت هزینه‌های مرتبط با آن بر پدر»، فصلنامه فقه و اصول، سال چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۵ شماره ۱۰۶، نویسندگان سعید نظری توکلی و فاطمه کراچیان ثانی.

(۴) مقاله «امنیت اقتصادی زنان با رویکرد اقتصادی اسلام به مهریه» نوشته زهره دانشجو و زهرا محسنی‌نیا، که در مجموعه مقالات هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران به چاپ رسیده است.

تفاوت کارهای انجام شده با تحقیق حاضر آن است که به حقوقی مثل مهریه، نفقه، ارث و مزد شیر دهی و... می‌پردازد که پستوانه‌ای مهمی برای زنان محسوب شده و کمک مهمی به بالا رفتن سطح توانایی و استقلال آنان داشته و در تعدیل اقتصادی خانواده‌ها نقش بسزایی ایفا نموده است.

۲. مفهوم‌شناسی

از آنجا که تشریح مفاهیمی مانند امنیت، اقتصاد، مهریه، ارث و نفقه در تثبیت امنیت اقتصادی زنان، نقش کلیدی دارد؛ از این‌رو به تبیین معنای این واژگان و اصلاحات خواهیم پرداخت.

۲-۱. امنیت

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند ایمان، ایمنی و استیمان به کار برده می‌شود. امنیت در لغت فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۲) اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم (بندریگی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۳۲۳) معنا شده است. راغب در کتاب مفردات، امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵).

از لحاظ اصطلاحی در قرآن، امنیت از اموری اساسی است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به گونه‌ای قابل توجه، مورد نیاز است. اگرچه صورت فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیة» در متون اسلامی به چشم نمی‌خورد، اما واژه‌های مشتق از این ریشه به فراوانی به کار رفته است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۴) در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق شده است و این مشتقات حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته است.

ارتباط تنگاتنگ و محکم این واژه با کلمه‌های اسلام، ایمان و مؤمن گویای اهمیت فوق‌العاده مفهوم آن است. مفهومی که افزون بر آیات قرآن و روایات معصومان، به فراوانی در سخنان اندیشمندان اسلامی و شیعی به چشم می‌خورد.

۲-۲. مهریه

واژه مهریه در قرآن به کار نرفته معادل آن را می‌توان نحله گرفت که به معنای عطیه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۶) زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق نموده و آن را در عقد ذکر می‌کنند یا پس از عقد بر روی مقدار معینی توافق می‌کنند. مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود، مشخص باشد نه اینکه چیز گنگ و مبهمی باشد (قانون مدنی، ماده ۱۰۷۹) بنابراین مهریه طبق اصطلاح لغوی، مالی است که طبق قوانین شرعی و اجتماعی در قبال عقد ازدواج از طرف مرد به زن داده می‌شود.

قانون مدنی ایران، تعریفی از «مهر» ارائه ننموده است، اما در بررسی مواد قانونی مربوط به مهریه معلوم می‌شود، مهر عبارت است از: «مالی که مرد برای عقد ازدواج به همسر خود تملیک می‌نماید». لازم به ذکر است که مهر عندالمطالبه است یعنی به محض انعقاد عقد ازدواج، زوجه مالک مهر می‌شود. بنابراین نفس مهریه نوعی الزام قانونی است که بر شوهر تحمیل می‌شود و تنها کاری که زوجین می‌توانند انجام دهند این است که هنگام عقد، مقدار مهر را به تراضی و توافق هم معین سازند.

۲-۳. ارث

«ارث» از لحاظ لغوی از «ورث» گرفته شده است و ارث و تراث مصدر ثلاثی مجرد هستند. افزون بر معنای مصدری به معنای اسم مفعول نیز به کار می‌روند. همه لغویان کاربرد ارث را در انتقال مال حقیقت می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۶۶) ارث در اصطلاح فقیهان، استحقاق شخصی بر دارایی دیگری به سبب یا نسب است (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۱) ولی بیشتر فقیهان برای آن معنای ویژه‌ای ذکر نکرده‌اند که خود گویای تقارب معنای اصطلاحی و لغوی آن است.

۲-۴. نفقه

برای «نفقه» معانی مختلفی در کتاب‌های لغت بیان شده است. راغب معتقد است «نفقه»، اسم است برای چیزی که می‌بخشند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۱۹) برخی کتب لغت به معنای زاد و توشه و همچنین آنچه که زوج برای همسرش خرج می‌کند مثل طعام، لباس و مسکن و غیره اشاره دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۷۷) در فرهنگ لغات فارسی به معنای هزینه، خرج روزمره و خرجی و نفقه دادن نیز به معنای عهده‌دار معاش دیگری شدن و هزینه معاش او را دادن است. در اصطلاح فقه نیز مالی را گویند که برای ادامه زندگی بر طبق حال اشخاص لازم است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۶۴۱).

در اصطلاح فقه‌های شیعه «نفقه» را به معنای «لباس، غذا، مسکن و ...» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳) می‌دانند. حقوقدانان اسلامی نیز نفقه را همان لوازم ضروری زندگی و احتیاجات مادی که فرد برای همسر و بستگان خود اتفاق می‌کند، می‌دانند (جهانگیر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴-۱۹۶) در اسلام، موجبات نفقه، در زوجیت، قرابت و ملک احصاء شده است و از نظر فقهی و حقوقی، تأمین مخارج و هزینه‌های خانواده به عهده‌ی مرد است. بنابراین هزینه‌ها و مخارج متعارف زن هم به‌عنوان بخشی از خانواده به‌عده‌ی مرد است و در عین حال مرد حق سلطه و استثمار زن را ندارد.

در قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۶ مقرر می‌دارد: «در عقد دائم نفقه زن به عهده‌ی شوهر است» و ماده ۱۱۰۷ می‌گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که

به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضاء» بنابراین این مزیتی است که قانونگذار ایران برای زن قایل شده است و به موجب آن زن می‌تواند از شوهر مطالبه‌ی نفقه کند (جهانگیر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴ - ۱۹۶) در مورد زوج‌های غایب نیز ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در موارد غیبت یا استتکاف شوهر از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه به عهده‌ی اوست ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند با مطالبه‌ی افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستتکف در اختیار آنها قرار دهد...» در این تحقیق منظور از نفقه همان معنای خرجی است (جهانگیر، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰ - ۲۱۲).

۳. مهریه پشتمانه اقتصادی زنان

یکی از مواردی که سبب امنیت اقتصادی زنان شمرده شده است مهریه است که در این قسمت رابطه امنیت اقتصادی با مهریه، و استقلال اقتصادی بررسی می‌شود.

۳-۱. رابطه مهریه و امنیت اقتصادی زنان

وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتمانه برای زن است. در شریعت اسلام قوام و پایداری خانواده به دست مرد است به دلیل اینکه توان فطری مرد در کسب و کار به طور طبیعی بیشتر از زن است و در زندگی مشترک مرد با قدرت بیشتری آن را اداره می‌کند بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده غرامت بپردازد.

در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه بها و قیمت کالا ندارد و یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است. به همین دلیل اگر در صیغه عقد اسمی از مهر نبرند عقد باطل نیست؛ (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۵۵۷) بنابراین مهر جنبه جبران خسارت و پشتمانه‌ای برای احترام به حقوق زن دارد.

قرآن کریم نیز در آیه ۴ سوره نساء از مهر به «صدقه» یاد کرده است و صدقه در زبان عربی از ماده صدق به معنای صداقت است (ر.ک: مکارم، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۶۹ - ۳۷۱) و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. تعبیر قرآن از

مهر به واژه صدق در حقیقت اشاره به فلسفه آن است که مصادقت در تعهد زوجیت است. به بیانی دیگر مهر یا صدق، نشانی از راست‌گویی مرد در پیمان خود به تشکیل خانواده است و برای اثبات صداقت خود در محبت زن و حسن نیتش در ادعای زناشویی، مسئولیت مالی پرداخت مهر را بر عهده گیرد.

از نظر قرآن، مرد به هنگام عقد قرارداد ازدواج و خواستگاری (هدیه‌ای) تقدیم زن می‌کند که پدر، برادر یا دیگر بستگان زن در آن نقش و اختیاری ندارند. زن در عین حال که چنین پیشکشی را دریافت می‌دارد استقلال اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ می‌کند، خودش با آزادی و اختیار شوهر را انتخاب می‌کند، نه با اراده پدر یا تصمیم کسی دیگر، و نیز هنگامی که در خانواده خود با شوهر زندگی می‌کند کسی حق ندارد مانند تاریخ کهن او را چون برده به خدمت خود بگمارد و اس‌شمار کند. محصول کار و زحمتش به خود او تعلق دارد نه به دیگری، در معاملات حقوقی نیاز به قیمومیت ندارد. مرد وزن فقط حق دارند در هنگام پابرجا بودن پیمان زناشویی فقط نسبت به نیازهای جنسی متعهد باشند و مرد به خاطر بهره‌مندی از وصال زن، زندگی را در حد امکان و مطابق شأن او تأمین کند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد درباره اینکه مهر زن به خود زن تعلق دارد نه به دیگری. مرد باید در تمام مدت زناشویی عهده‌دار تأمین مخارج زندگی زن بشود، و در عین حال درآمدی که زن تحصیل می‌کند و نتیجه کار او به شخص خودش تعلق دارد نه به دیگری، پدر یا شوهر (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰۶).

قرآن کریم با لطافت و ظرافت بی‌نظیری می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴) یعنی کابین زنان را که به خود آنها تعلق دارد (نه به پدران یا برادران آنها) و عطیه و پیشکشی است از جانب شما به آنها، به خودشان بدهید. به گفته استاد مطهری (ره)، در این آیه به سه نکته اشاره شده است:

۱) مهریه را با تعبیر «صدق» (با ضم دال) یاد کرده نه مهریه، زیرا «صُدفه» از ماده صدق است که نشانه راستین بودن و از سر صدق بودن علاقه مرد است.

۲) با ملحق کردن «هن» (ضمیر سوم شخص مونث) به کلمه صدقاتهن، می‌فهماند که

مهریه به خود زن تعلّق دارد نه به کسی دیگر.

۳) با تعبیر «نحلة»، نشان می‌دهد که مهریه هیچ عنوانی جز تقدیمی و هدیه ندارد.

براین اساس نتیجه گرفته شده است که:

مهر از احساسات رقیق و عطوفت آمیز مرد ناشی شده، نه از احساسات خشن و مالکانه او، آنچه از ناحیه زن در این امر دخالت داشته، حس خودداری مخصوص او بوده نه ضعف و بی‌اراده بودن او. مهر، تدبیری است از ناحیه قانون خلقت برای بالابردن ارزش زن و قراردادن او در سطح عالی‌تری (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۵۳۴).

مهریه به زن شخصیت می‌دهد. ارزش معنوی مهر برای زن بیش از ارزش مادی آن است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۲۴)

قرآن رسوم جاهلی در قضیه مهریه را منسوخ کرد و آن را به مسیر طبیعی خود برگرداند، در جاهلیت، پدران و مادران مهریه را به عنوان حق الزحمه و (شیربها) حق خود می‌دانستند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۲۰۳) ولی قرآن به صراحت آن را حق خود زن دانست، زیرا در زمان جاهلیت چون دختری متولّد می‌شد، به وی چنین تبریک می‌گفتند: «هنیئاً لک النّافجة»، یعنی این مایه افزایش ثروت تو را گوارا باد، کنایه از اینکه پس از این دختر را شوهر می‌دهی و مهر دریافت می‌کنی.

در عصر جاهلی پدران و در غیاب ایشان برادران که خود را قِیم می‌پنداشتند، دختران را شوهر می‌دادند و مهر دختر را خود دریافت می‌کردند. گاهی برخی پدران یا برادران دختران را با یکدیگر معاوضه می‌کردند و دختر یا خواهر هر یک، مهر دیگری قرار می‌گرفت. این نوع ازدواج (شغار) نامیده می‌شد که پیامبر آن را مردود شمرد و فرمود: «لا شغار فی الاسلام». اسلام تمام این رسوم را از میان برد و حتّی اضافه بر مهر را نیز منع نمود (شریف مرتضی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۷۹).

قرآن، قرارداد کارکردن داماد برای پدر زن را به عنوان پرداخت مهر - در زمانی که ثروت قابل مبادله نبود - منسوخ کرد. در جاهلیت رسم ارث زوجیت نیز بوده که منسوخ گشته است (ر.ک. مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۲۰۰) یعنی زن به هنگام فوت شوهر جزء مال الارث به ورثه می‌رسیده و به تملک ورثه در می‌آمده است. قرآن در ردّ این رسم می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا؛ ای مؤمنان بر شما روا نیست که زنان مورثان خود را به ارث ببرید، درحالی که خود آن زنان مایل نیستند» (نساء: ۱۹).

در زمان جاهلیت برای اینکه مهر زنان را ندهند آنها را مَتِّهَم به فحشاء می‌کردند یا آنها را تحت فشار و ستم قرار می‌دادند تا مهریه او را نپردازند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۵۴) قرآن بر این رسم ظالمانه نیز مهر بطلان زد و از آن منع کرد: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ» (نساء: ۱۹) زنان را به خاطر اینکه چیزی از آنها بگیرید یا قسمتی از مهری که به آنها داده‌اید جبران کنید، در مضیقه و شکنجه قرار ندهید. از ابن عباس روایت شده که آیه در مورد افرادی نازل شده که همسران آنها مهر سنگین داشتند و در عین حال که تمایل به ادامه زناشویی با آنها نداشتند به خاطر سنگین بودن مهر حاضر به طلاق آنها نمی‌شدند، و آنان را تحت فشار قرار می‌دادند تا مهرشان را ببخشیده و طلاق گیرند (مکارم، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۱۹) بدین وسیله قرآن کریم هر رسمی را که موجب تضییع حقوق زنان به ویژه مهر آنها می‌شد منسوخ اعلان کرد و با قراردادن قوانینی صحیح و الهی مهریه را پشتوانه‌ای قانونی برای زنان قرار داد.

۲-۲. استقلال اقتصادی با مهریه

در قرآن همانطور که مردان را در نتایج کار و تلاششان دارای حق می‌داند، زنان را نیز در نتیجه کار و فعالیتشان ذی حق می‌شمرد. چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) مردان را از آنچه کسب می‌کنند و نیز زنان را از آنچه به دست می‌آورند بهره‌ای است.

عرب جاهلی زن را از هرگونه ارثی محروم کرده بود، اما قرآن کریم برخلاف شیوه معمول به صراحت زن را نیز مانند مرد، وارث شناخت و در آیه ۷ سوره نساء می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء: ۷) مردان را از مالی که پدر و مادر و یا خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است و زنان را هم از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۴).

مهریه اگرچه عطیه و پیشکشی برای زن در طول تاریخ به انحناء مختلف صورت می‌گرفته است، ولی در هیچ فرهنگ و دینی مانند اسلام برای این بذل بی حساب شرایط خاصی قائل نشده‌اند، تا بدین صورت به حمایت از این حق مسلم زن برخیزند. اسلام با در نظر گرفتن شرایطی خاص برای مهریه آن را به‌عنوان سرمایه‌ای ارزشمند در تصرف و ملکیت شخصی زن شمرده است که اضافه بر پشتوانه اقتصادی برای زن راهی برای تعدیل سرمایه در دست همسران معرفی کرده است.

۴. ارث پشتوانه‌ای مهم برای زنان

با ظهور اسلام و تعلیمات ویژه آن، موقعیت زن وارد مرحله نوینی گردید. در این دوره بود که زن در سایه دستورات حیات‌بخش اسلام، از کلیه حقوق فردی و اجتماعی و انسانی برخوردار شد. اسلام درباره حق برخورداری زن از ارث (حق فردی)، انقلاب عظیمی به وجود آورد و به زنان، حق ارث عطا کرد و تمام قوانین ظالمانه دوران جاهلیت را (که بر پایه اعتقادات و آداب و رسوم قبیله‌ای بود) نسخ نمود.

اسلام نه تنها حق ارث برای زنان تشریع نمود، بلکه به ارث برده شدن زنان را (که در آن عصر امری رایج بود) نیز ممنوع کرد.

قرآن کریم در سوره نساء، با عادات و رسوم غلطی که زنان، کودکان و افراد تانوان را از ارث محروم می‌ساخت، به مبارزه برخاست و بر روی تمام آن قوانین غلط، خط بطلان کشید. «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء: ۷) برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جا می‌گذارند سهمی است. برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جا می‌گذارند سهمی است؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد، بنابراین، هیچ کس حق ندارد که سهم دیگری را غصب کند. سپس در پایان آیه شریفه برای تأکید مطلب می‌فرماید: «این سهمی است تعیین شده و لازم الأداء» تا هیچ‌گونه تردید در این بحث باقی نماند.

در این آیه شریفه، کلمه نساء، عطف به رجال شده است، یعنی گفته نشد «لِّلرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ...»؛ در حالی که به حسب قاعده می‌بایست این‌گونه بیان می‌شد؛ ذکر حکم

میراث زن در جمله جداگانه، بدان جهت است که استقلال زنان را در ارث همانند مردان بیان کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۱۳).

به نظر شیعه، نظر به عمومیت آیه شریفه، «تعصیب» که سبب برتری مردان طبقه بعدی بر زنان آن طبقه می شود، باطل است. توضیح این که گاهی مجموع سهام، از مجموع مال، کمتر است و چیزی اضافه باقی می ماند؛ مثلاً: اگر مردی از دنیا برود و تنها یک دختر و مادر از او باقی بماند، در این صورت سهم مادر یک ششم و دختر سه ششم است که مجموع آنها (سهام) چهار ششم می شود؛ در نتیجه دو ششم باقی می ماند (ر.ک: حسینی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵۱-۳۵۳). در اینجا، دانشمندان و فقهای اهل سنت معتقدند که این اضافی را باید به عَصَبَه؛ یعنی مردان طبقه بعد (که بلا واسطه یا به واسطه مردی به متوفی مربوط می شوند، مثل برادرهای متوفی در این مثال) داد و این را اصطلاحاً تعصیب می نامند؛ اما فقهای شیعه قائلند که آن اضافی را باید در میان آن دو (مادر و دختر متوفی) به نسبت ۱ و ۳ تقسیم کرد؛ زیرا با وجود طبقه قبل (مادر و دختر)، نوبت به طبقه بعد (مانند برادرهای متوفی) نمی رسد. به علاوه، دادن مقدار اضافی به مردان طبقه بعد، شبیه قوانین دوران جاهلیت است که زنان را بدون دلیل، از ارث محروم می ساختند؛ پس مطابق این آیه شریفه، زنان نیز باید از سهم الارث خویش بهره برند و اگر فرزند پسر، مانع طبقه بعدی است، فرزند دختر نیز چنین است و از این جهت، تفاوتی بین زن و مرد نیست (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۷۸).

در نظام حقوقی اسلام، زن بر حسب عناوین همسر، فرزند (دختر)، مادر و خواهر، از ارث بهره مند می شود. همسر در تمام طبقات با همه ورثه شریک می شود؛ اگر متوفی (شوهر) فرزند نداشته باشد، همسرش یک چهارم و اگر فرزند داشته باشد، یک هشتم ارث می برد.

قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ﴾ (نساء: ۱۲) و اگر فرزندی نداشته باشید، پس از انجام وصیت و پرداخت دیون (بدهکاری ها)، یک چهارم میراثتان از آن زنانان است و اگر دارای فرزند بودید (اگر چه این فرزند از همسر دیگر باشد)، یک هشتم ترکه متعلق به آنهاست.

شایان توجه است که اگر متوفی (شوهر) چند همسر داشته باشد، یک چهارم یا یک هشتم ترکه که به همسران می‌رسد، به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود. مستند این حکم، روایت است: «ولا تزد المرأة على الربع ولا تنقص من الثمن وان كنَّ اربع او دون ذلك فهنَّ فيه سواء» (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۲۱) یعنی همسر هیچ‌گاه سهمش بیش از ربع (یک چهارم) و کمتر از ثمن (یک هشتم) نمی‌شود.

در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران که بر احکام اسلام و فقه پویای امامیه مبتنی است، زن همپای مرد، هم از حیث «نسب» و هم از جهت «سبب» ارث می‌برد. همچنین در مبحث میراث زوج و زوجه بیان می‌دارد که به مجرد انعقاد پیمان زناشویی، زن دارای حق ارث در اموال شوهر، به میزان معین، می‌شود.

در ضمن زن اگر، تنها فرزند خانواده باشد، تمامی ترکه به او می‌رسد و اگر همه فرزندان متوفی دختر باشند، اموال به صورت مساوی بینشان تقسیم می‌گردد؛ ولی اگر متفاوت باشند (بعضی پسر و بعضی دختر)، پسر دو برابر دختر، ارث می‌برد؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که (از میراث) برای پسران، دو برابر سهم دختران قائل شوید ﴿نساء: ۱۱﴾.

نکته در خور توجه این است که قرآن کریم برای اهتمام به حق زن، هنگام تعیین سهام ارث، ارث زن را اصل و مبنا قرار داده و آن را معیار ارث معرفی می‌نماید. آنگاه می‌فرماید: ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾؛ پسر دو برابر دختر ارث برد ﴿نساء: ۱۱﴾.

این طرز بیان، یک نوع تأکید بر ارث بردن دختران و مبارزه با سنت‌های جاهلی آن عصر است که زنان را به طور کلی از ارث محروم می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۳).

۵. نفقه مهم‌ترین پشتوانه اقتصادی زنان

یکی دیگر از مواردی که اسلام و قوانین اجتماعی برای دفاع از حقوق اقتصادی زنان مطرح می‌کند نفقه است. آیات متعددی^۱ در باب نفقه وارد شده است که در دلالت این آیات بر اصل نفقه و تکلیف آن بر مرد جای هیچ تردیدی نیست. به عنوان نمونه ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به طور متعارف بپردازد ﴿(بقره: ۲۳۳)﴾ و یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ مردان سرپرست و خدمتگذار زنان هستند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر اتفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند ﴿(نساء: ۳۴)﴾.

خداوند متعال در آیه فوق یک تکلیف را در مقابل یک حق قرار داده است. حق، همان ریاست بر خانواده و تکلیف، دادن نفقه به همسر و فرزندان است، این حق به دلیل برتری‌های طبیعی جنس مرد به وی سپرده شده است. آیه فوق بعد از این که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می‌کند به حکمت این حق اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (نساء: ۳۴).

این سرپرستی به خاطر تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده و بلافاصله در مقابل چنین حقی، تکلیفی را به عهده شوهر قرار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء: ۳۴)، این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد اتفاق کردن و پرداخت در برابر زنان و خانواده به عهده دارند ﴿(ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۷)﴾.

علامه طباطبایی در این رابطه می‌فرماید: «خداوند متعال در کتاب کریمش بیان کرده که مردم همگی و بدون استثنا چه مردان و چه زنان شاخه‌هایی از یک تنه درختند و اجزا و ابعاضی

۱. از جمله: سوره بقره، آیه ۲۳۳ و آیه ۲۴۰، ۲۱۵، ۲۴۱ و ۲۷۰ و سوره نساء، آیه ۳۴، سوره توبه آیه ۵۴، سوره نور، آیه ۲۲، سوره طلاق، آیه ۶ و ۷.

هستند برای طبیعت واحده بشریت و مجتمع انسانی در تشکیل یافتن محتاج به همه این اجزا است. همان مقدار که محتاج جنس مردان است؛ محتاج جنس زنان نیز است؛ همچنان که فرمود: «بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» این حکم عمومی، منافات با این معنا ندارد که هر یک از هر دو طایفه زن و مرد خصلتی مختص به خود داشته باشند؛ مثلاً نوع مردان دارای شدت و قوت و نوع زنان دارای رقت و عاطفه هستند. چون طبیعت انسانیت در حیات تکوینی و اجتماعی نیازمند به ابراز شدت، اظهار قدرت، مودت و رحمت است. این دو خصلت دو مظهر از مظاهر جذب و دفع عمومی در مجتمع بشری است. روی این حساب دو طایفه مرد و زن از نظر وزن و اثر وجودی با هم متعادلند» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۰۶-۴۰۵).

همچنین در تفسیر دیگری آمده است: «قرآن در این جا تصریح می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود (اشتباه نشود منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است)» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۷۰).

از این رو ریاست شوهر یک تحکم یا برخلاف اعتقاد بعضی اختیار مالکانه نیست، بلکه به نظر برخی از مترجمین قرآن کریم مثل شعرانی کلمه «قومون» را به کارگزاران یا فرمانروایان تعبیر نموده‌اند؛ یا به تعبیر یکی از حقوق‌دانان عرب زبان، ریاست شوهر یک سلطه حکیمانه اداری است و استبدادی نیست. از این رو زنان تا آن حد موظف به اطاعت از شوهر هستند که مربوط به حقوق همسران است و هرگز مردان حق دخالت در اموال و درآمدهای اقتصادی آنان را ندارند.

۶. مزد شیردهی

مزد شیردهی نیز یکی از مواردی است که برای تامین امنیت اقتصادی زنان در نظر گرفته شده، هرچند معمولاً زنان اجرت شیردهی را درخواست نمی‌کنند و بر آنها واجب است به کودک خود شیر دهند، اما مرد در صورت رضایت می‌تواند اجرت شیردهی را به زن بپردازد.

در سوره بقره آمده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر

دهند؛ این (دستور) برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی (طفل) را تکمیل کند، و روزی و لباس آنها به نحو متعارف بر عهده کسی است که طفل از آن اوست (پدر) ﴿(بقره: ۲۳۳) و یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِنُضْيِقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ؛ آنها را در آنجا که ساکن هستید از مقدار توانتان سکونت دهید، و به آنها (از ناحیه مسکن و اتفاق و غیره) آسیب نرسانید تا (زندگی را) بر آنها تنگ ننمایید (و مجبور باشند هزینه آنها را تا آن گاه که وضع حمل کنند بدهید اگر برای شما بچه را شیر دادند اجرت آنها را بپردازید، و در میان خود (راجع به حال طفل) به نیکی به مشورت و قبول گفتار یکدیگر بپردازید، و اگر با یکدیگر سخت‌گیری کردید، (مرد باید دایه بگیرد) تا زن دیگری آن بچه را شیر دهد﴾ (طلاق: ۶).

نتیجه‌گیری

زن در طول تاریخ بشریت مورد ظلم و تعدی قرار گرفته است. ولی دین اسلام با در نظر گرفتن حقوق متعددی برای زن وجهه‌ای دیگر به او داد و این گونه از او حمایت کرد از جمله این حقوق در نظر گرفتن مهریه، نفقه، حق ارث و مزد شیردهی است بنابراین زن می‌تواند به‌طور مستقل از آن حقوق استفاده کند. این حقوق به‌عنوان حمایت‌کننده‌ی مالی و پشتیبان و راهکاری در استقلال و امنیت اقتصادی زن و تعدیل و توزیع ثروت در خانواده دانسته شده است.

وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتیبان برای زن است و در شریعت اسلام قوام و پایداری خانواده به دست مرد است، به دلیل اینکه توان فطری مرد در کسب و کار به طور طبیعی بیش‌تر از زن است و در زندگی مشترک مرد با قدرت بیشتری آن را اداره می‌کند بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده غرامت بپردازد.

علاوه بر مساله مهریه، ارث نیز از حقوق مسلم و قطعی زن است که به وسیله‌ی آن زندگی اقتصادی زن متحول می‌شود، که تا قبل از اسلام این حق به صورت ظالمانه از زنان و دختران سلب شد، ولی با ظهور اسلام و آمدن آیات مربوط به ارث تحولی در نظام اقتصادی زندگی زنان پدید آمد و زنان علاوه بر جایگاه همسری در جایگاه فرزندی نیز از حق ارث بهره‌مند می‌شوند.

از دیگر مواردی که بدان اشاره شده نفقه است که یکی از مهم‌ترین و در دسترس‌ترین

پشتوانه‌ی اقتصادی برای زنان در زندگی مشترک محسوب می‌شود و اسلام عزیز آن را برای دفاع از حقوق اقتصادی زنان مطرح می‌کند و آیاتی را دال بر مکلف بودن مردان نسبت به پرداخت نفقه برای زنان می‌آورد که حتی اگر دو مورد قبل (مهریه و ارث) نبود همین مورد سوم برای تامین نیازهای ضروری زنان و حق اقتصادی آنها می‌توانست مکفی باشد.

مزد شیردهی زنان در دوران شیردادن به فرزندان که از دیگر حقوق اقتصادی زنان محسوب می‌شود. هرچند مادران جامعه‌ی امروز از گرفتن اجرت و مزد شیردهی به فرزند، سخنی به میان نمی‌آورند و شاید از لحاظ جنبه عاطفی حتی آن را جزء حقوق اقتصادی خود به حساب نمی‌آورند، ولی از نظر اسلام زنان شیرده می‌توانند در زمان شیردهی اجر و مزد آن را از همسران خود طلب نمایند و این ها همه جنبه‌ی حمایت و پشتیبانی دین مبین اسلام از حقوق اقتصادی زنان بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۲)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۲، قم، الهادی.
۱. ابن‌ادریس حلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چ ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، محقق مهدی عبد الرزاق، چ ۱، بیروت، دارالکتاب العربی.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، محقق هارون عبدالسلام محمد، چ ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت، دارصادر.
۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، چ ۱، محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، *زن در آئینه جلال و جمال*، چ ۱، قم، اسراء.
۷. حسینی همدانی، سید محمد، (۱۴۰۴)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، محقق: محمدباقر بهبودی، چ ۱، تهران، لطفی.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چ ۱، بیروت، دار القلم.
۱۰. شریف مرتضی، (۱۹۹۸)، *أمالی المرتضی*، قاهره، دار الفکر العربی.
۱۱. صفوی، سید عبدالرضا، (۱۳۹۸)، *نقحه*، چ ۱، قم، مسعی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، مصحح: هاشم رسولی، چ ۳، تهران، ناصر خسرو.

۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، *کتاب العین*، ج ۲، قم، هجرت.
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، *نظام حقوقی زن در اسلام*، بی چا، تهران، صدرا.
۱۷. معین، محمد، (۱۳۷۸)، *فرهنگ فارسی*، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۶)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب.
۱۹. منصور، جهانگیر، (۱۳۸۹)، *قانون مدنی با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات همراه با قانون مسئولیت مدنی*، تهران، نشر دیدار.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).